

مانیزمی توانیم از منطق اقتصاد سیاسی پیامبر در راهبردهای امروز خود درس و بهره بگیریم؛ یعنی ضربه زدن و بلا موضوع کردن مزیت‌های نسبی اقتصادی دشمن و ایجاد و ارائه بدیل‌های اقتصادی با صرفه‌تر دیگر به جای آن‌ها

یا شرکت در عملیات نظامی و امنیتی و اقدام عملی علیه حکومت مانند توطئه، جاسوسی و پیمان شکنی با آن‌ها برخورد قاطع می‌شد؛ مانند یهود بنی قینقاع و بنی نضیر که پیمان شکنی کردند و طرح ترور پیامبر را ریختند. ولی پیامبر با عبدالله بن ابی که بیشتر حرف می‌زد تا اقدام عملی، برای حفظ یکپارچگی داخلی مدارا می‌کرد. عبدالله بن ابی با بیرون کشیدن نیروهایش در جریان جنگ احد، یکی از دلایل شکست مسلمانان بود اما برخورد پیامبر با او باز احتیاط آمیز بود.

یکی از اصول راهبردی نبوی پیشگیری از ائتلاف و اتحاد دشمنان و فروپاشی آن در صورت شکل‌گیری از طریق ایجاد شکاف میان آن‌هاست. بر اساس مفاهیم نظری اکنون این راهبرد را می‌توان در قالب موازنه سلبی تبیین کرد؛ یعنی تلاش برای تضعیف قدرت و توان دشمن یا دشمنان.

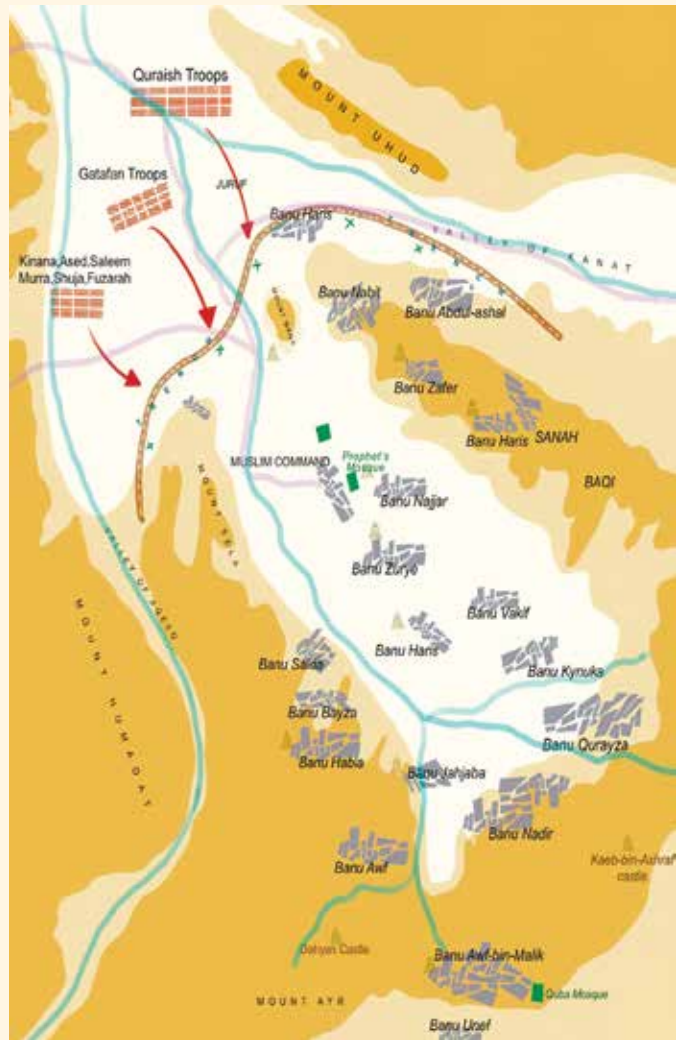
دوگانه صلح و جنگ و اینکه در چه زمانی باید صلح کرد و در چه زمانی نباید صلح کرد و اینکه با چه کسی باید پیمان بست و با چه کسی نباید پیمان بست؛ آیا در سیره رسول خدا از الگوی خاصی پیروی می‌کند؟

پاسخ را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: جنگ و صلح دو روی یک سکه هستند. صلح یعنی نبود جنگ و جنگ ادامه سیاست است با ابزارهای دیگر. در این بین شرایط زمانی و مکانی، ویژگی‌های حوزه موضوعی، ماهیت موضوع و مورد، وضعیت و موقعیت خود و دشمن تعیین‌کننده است. همچنین کشف منطق جنگ و صلح و اصول و راهبرد این دو در سیره نبوی ضرورت دارد. منطق اصولی را از سیره نبوی می‌توان کشف و به فراخور موضوع و مورد به کار بست. آمادگی روحی و روانی نیروها، آمادگی نظامی خود و دشمن، هزینه‌های جنگ و صلح، نتایج ناشی از این دو و کسب پیروزی بدون جنگیدن.

+

راهبردهای صلح‌سازی پیامبر

امنیت و دفاع فعال؛ بازدارندگی؛ موازنه قوا؛ مقاومت فعال؛ جنگ پیشگیرانه (تهدیدزدایی)؛ جنگ پیش‌دستانه.



عناصر مقوم جامعه مدینه بود. او برای حفظ وحدت و انسجام داخلی و جلوگیری از درگیری‌های داخلی میان مسلمانان، با منافقان مدینه مدارا و مماشات می‌کردند تا بر اولویت راهبردی اصلی یعنی اسلام آوردن قریش و مسلمان شدن شبه جزیره عربستان خدشه وارد نشود. اولویت راهبردی مقابله با قریش تلاش برای مسلمان شدن یا تسلیم شدن بود. بنابراین تأمین هدف راهبردی ایجاد می‌کرد تا اهداف کم‌اهمیت ترمانند مقابله با منافقان در اولویت بعد قرار گیرد. اصل الَاهَمُّ فَالْاَهَمُّ. البته که در صورت انجام

دشمن با فروپاشی اتحاد و انسجام آن (موازنه سلبی) اهمیت ویژه‌ای دارد. اصل تعیین‌کننده در چگونگی نرمش یا برخورد قاطع، عقلانیت راهبردی برحسب میزان هزینه و فایده و ضرر و زیان آن اقدام و مصلحت عمومی است. همچنین اقدام عملی و میزان تأثیرگذاری اقدامات تفرقه افکن و گسست‌آفرین در جبهه نبرد خارجی و قدرت و موقعیت جبهه خودی تعیین‌کننده است. اگر باعث تضعیف قدرت راهبردی و شکست در نبرد شود با آن مقابله می‌شود. راهبرد داخلی پیامبر در مدینه حفظ یکپارچگی و همبستگی

**جنگ و صلح دوروی
یک سکه هستند.
صلح یعنی نبود
جنگ و جنگ ادامه
سیاست است با
ابزارهای دیگر. کشف
منطق جنگ و صلح
و اصول و راهبرد این
دو در سیره نبوی
ضرورت دارد. در این
بین شرایط زمانی و
مکانی، ویژگی‌های
حوزه موضوعی،
ماهیت موضوع و
مورد، وضعیت و
موقعیت خود و
دشمن
تعیین‌کننده است.**